

The Impact of Virtual Media on the Realization of the Individual Crime of *Irjaf* and Disturbing Public Opinion¹

Amir Zahedi¹

Abbas Ali Soltani²

1. PhD Candidate, Faculty of Theology, Ferdowsi University of
Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

amirzahedi18151@gmail.com

2. Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Iran
soltani@um.ac.ir



Abstract

In order to protect society, the Qur'an in verses 60–62 of Surah al-Ahzab commands the Prophet Muhammad to deal harshly with the *murjifun* (those who spread panic and false rumors) and those who disturb national security, even ordering their execution. Given the severity of this command, the question arises: Is the criminalization of *irjaf* (Irjaf refers to the deliberate spreading of fear, panic, or false information—especially rumors that disturb public order or weaken societal morale) necessarily dependent on it being an organized or collective act? Or, considering the shift in power structures and the rise of media influence, can this offense also be examined as an individual act? This article, through a detailed analytical study of the verses related to *irjaf*, relevant sources, and contemporary media data, demonstrates that *irjaf* against the government can be realized individually, given the power of media. All the legal elements required for criminalization are present, and the force of media

۴۲
فقه و حقوق

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۶)

1. Zahedi, A., & Soltani, A. (2022). The impact of virtual media on the realization of the individual crime of *Irjaf* and disturbing public opinion. *Jurisprudence and Politics*, 3(6), pp. 42-69.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.69910.1046>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/09/15 • **Revised:** 2025/04/12 • **Accepted:** 2025/06/11 • **Published online:** 2025/06/22

can effectively replace human agents in perpetrating the crime. Since the criteria laid out by the Shari'a are consistent in this ruling, the punishment for individual *irjaf* can be applied—provided all the necessary conditions are met and no specific obstacles exist—in order to secure the protection of society.

Keywords

Irjaf, disturbing public opinion, dissemination of falsehoods, individual crimes.

تأثير وسائل الإعلام الافتراضية في خلق الجريمة الفردية:

الإرجاف وتشويش الرأي العام^١

أمير زاهدي^١ عباسعلي سلطاني^٢

١. طالب دكتوراه، كلية الإلهيات، جامعة فردوسي، مشهد، إيران (المؤلف المسنول).

amirzahedi18151@gmail.com

٢. أستاذ مساعد، جامعة فردوسي، مشهد، إيران.

soltani@um.ac.ir



الملخص

ومن أجل حماية المجتمع فإن القرآن الكريم في الآيات ٦٠-٦٢ من سورة الأحزاب يأمر الرسول الكريم بالتعامل بحزم مع المرجفين والذين يثيرون التشويش والاضطرابات ضد الأمن الوطني وقتلهم. ونظراً لكون هذا الحكم حكماً حاسماً، فإن السؤال الذي يطرح نفسه هو هل تجريم الإرجاف يعتمد بالضرورة على ما إذا كان "تنظيماً" أو "جماعياً" في طبيعته؟ أم أنه، في ظل تغير نظام السلطة وتنامي قوة وسائل الإعلام، يُمكن أيضاً دراسة المسألة على المستوى الفردي؟ في هذه المقالة، ومن خلال تحليلها الدقيق لآيات الإرجاف والمصادر المتعلقة بها، بالإضافة إلى بيانات وسائل الإعلام المعاصرة، تم إثبات أن الإرجاف ضد الحكومة قد تحقق أيضاً في المستوى الفردي، نظراً لقوة الإعلام، وتوافر جميع عناصر التجريم، بما في ذلك ركنه القانوني، بحيث استطاعت قوة الإعلام أن

١. الاستشهاد بهذه المقالة: زاهدي، أمير؛ سلطاني، عباسعلي. (٢٠٢٢). تأثير وسائل الإعلام الافتراضية في خلق الجريمة الفردية: الإرجاف وتشويش الرأي العام. الفقه والسياسة، ٣(٦)، ص ٤٢-٦٩.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.69910.1046>

□ نوع المقالة: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب إعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٠٩/٢٤ • تاريخ التعديل: ١٤٠٢/٠٤/٢٠ • تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٦/٢٥ • تاريخ الإصدار: ١٤٠٢/٠٦/٢٢

تحل محل القوة البشرية في تحقيق هذا الأمر. وبما أن معايير الشارع في هذا الحكم واحدة فإن حكم الإرجاف الفردي يمكن تنفيذه إذا توفرت فيه جميع الشروط ولم يكن هناك موانع خاصة في طريقه، وذلك لتوفير الأساس اللازم للحفاظ على حماية المجتمع.

الكلمات الرئيسية

الإرجاف، تشويش الرأي العام، نشر الأكاذيب، الجرائم الفردية.

تأثیرگذاری رسانه‌های مجازی در تحقق جرم فردی ارجاف

و تشویش اذهان عمومی^۱

امیر زاهدی^۱ عباسعلی سلطانی^۲

۱. دانشجوی دکتری دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد. ایران (نویسنده مسئول).

amirzahedi18151@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه فردوسی مشهد. ایران.

soltani@um.ac.ir

چکیده

قرآن به جهت صیانت جامعه در آیه ۶۰-۶۲ سوره احزاب به پیامبر اکرم دستور می‌دهد که با مرجفون و تشویش‌آفرینان علیه امنیت ملی، برخورد شدید کند و آنها را به قتل برساند. با توجه به قاطعیت این حکم، این پرسش مطرح می‌شود که جرم‌انگاری ارجاف، لزوماً وابسته به تشکیلاتی یا گروهی بودن آن است؟ و یا می‌توان نظر به تغییر نظام قدرت‌ها و قدرت‌گیری رسانه، تحقق این مسئله را در بُعد فردی نیز مورد کنکاش قرار داد؟ این مقاله با بررسی تحلیلی دقیق آیات ارجاف و منابع پیرامون آن و داده‌های رسانه‌های امروزی، این امر را اثبات می‌کند که ارجاف بر ضد حکومت با توجه به قدرت رسانه، به‌صورت انفرادی نیز تحقق یافته و تمامی عناصر جرم‌انگاری از جمله عنصر قانونی آن وجود دارد به شکلی که نیروی رسانه توانسته جایگزین نیروی انسانی برای تحقق این امر شود و از آنجا که ملاک‌های شارع در این حکم یکسان است، پس می‌توان حکم ارجاف فردی را در صورت تحقق تمامی شرایط و نبود موانع خاص بر سر راه آن، اجرا کرد تا زمینه لازم در جهت حفظ صیانت جامعه فراهم شود.

کلیدواژه‌ها

ارجاف، تشویش اذهان عمومی، نشر اکاذیب، جرایم فردی.

۱. **استناد به این مقاله:** زاهدی، امیر؛ سلطانی، عباسعلی. (۱۴۰۱). تأثیر گذاری رسانه‌های مجازی در تحقق جرم فردی ارجاف و تشویش اذهان عمومی. فقه و سیاست، ۳(۶)، صص ۴۲-۶۹.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.69910.1046>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱



مقدمه

در شریعت اسلامی برای حفظ پایه‌های نظام اجتماعی و صیانت از حقوق بشر، شارع متعال احکامی را به‌عنوان حدود شرعی قرار داده است که اجرای آن به شکل دقیق و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی حاکم بر اجتماع، ضامن برقراری امنیت در جامعه خواهد بود. از جمله‌ی این احکام که اجرای آن به‌نظر بسیاری از فقها در عصر غیبت امام زمان علیه السلام در دست حاکم شرع است (بروجردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵؛ مکارم، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۱۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۴۱۲). بحث اجرای حدود است؛ بعضی از این حدود همچون حد سرقت یا قذف، هم در آن حق الناس لحاظ شده است و هم جنبه‌ی حق الهی دارد و به همین خاطر در صورت بخشش مالک و یا مقذوف و توبه فرد با انضمام شرایط آن، حد برداشته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۲۳؛ بروجردی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۲، ص ۲۸۶). و بعضی از آن‌ها تنها حق الله است، بدین معنی که با بخشش افراد قابل مسامحه و چشم پوشی نیست و آن در جایی است که اقداماتی بر ضد امنیت ملی و نظام اجتماعی اسلامی صورت پذیرد، همانند محاربه که با توجه به‌نظر حاکم شرع اثبات و حکم به اجرای آن می‌گردد (ابن حزم، ۱۴۲۴ق، ج ۱۱، ص ۳۰۵).

با مراجعه به کتب فقهی مشخص می‌شود که پرداختن به شرایط اثبات هر حدی و ضوابط آن به‌طور دقیق و مفصل در کلام فقها مورد بررسی قرار گرفته است و ابواب مختلفی در واکاوی هر کدام از آنها تدوین شده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۴۳۳؛ مشکینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۲۰۲)؛ که اهتمام به تمامی آنها به جهت حفظ حقوق مالی، جسمی، روحی و روانی جامعه است. به‌عنوان نمونه شارع متعال برای برقراری امنیت مالی، حکم به قطع دست سارق نموده است (مائده، ۳۸) و برای حفظ دیگر حقوق نظام افراد و اجتماع، حدودی همچون حد زنا و لواط و محاربه مانند آن را قرار داده است.

حال با توجه به اینکه در شمارش حدود شرعی در کلام فقها اتفاق نظر وجود ندارد به‌طوری که بعضی تعداد حدود را شش عدد (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۳۲) و بعضی دیگر تعداد آنها را بالاتر (مکارم، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۵) و حتی تا بیش از بیست مورد

شمرده‌اند (محسنی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۵۳). این مسئله باید مورد بررسی قرار گیرد که معیار شمارش یک حکم در زمره‌ی حدود چیست و چه امری سبب کم یا زیاد شدن این تعداد در نگاه فقها می‌شود، و پس از ضابطه‌مند شدن مسئله، باید دید آیا امر دیگری نیز می‌تواند با توجه به همان ضابطه و معیار به حدود شرعی اضافه شود یا خیر؟

قبل از بیان مراد از ارجاف و ارجاف فردی، تذکر به این نکته لازم است که در واژه‌شناسی فقهی باید دقت کرد که هر واژه بار معنایی به‌خصوصی را حمل می‌کند و نباید به صرف وجود مشابهات معنایی میان عناوین مختلف، یگانگی ایجاد کرد و آنها را با یکدیگر خلط کرد و تمایز بین آنها را از نظر پنهان داشت؛ بویژه در جایی که بر یک عنوان، امور مهمه‌ای همچون حد ضرب، جرح و یا قتل مترتب شود.

به‌طور مثال در باب ارجاف، با رجوع به بیان فقها این امر دیده می‌شود که عناوین مشابه و مرتبط زیادی یافت می‌شود که هر کدام نیاز به بررسی‌های جداگانه دارد؛ به‌عنوان مثال تعبیری همچون محاربین، مفسدین فی الارض، مخوفین، مخذولین، بغات، و عناوین بسیار دیگری که گاهی به جهت پاره‌ای از تشابهات با یکدیگر خلط می‌شود، که باید دقت کرد این خلط صورت نگیرد؛ زیرا بعضی از این موارد مجازات‌های سنگین و بعضی از آن، مجازات‌های کمتری دارد و جابه‌جایی این عناوین پیامدهای ناصحیحی را به همراه خواهد داشت.

با توجه به توضیحات فوق، آنچه که موضوع این نوشتار است هم، از این قاعده مستثنی نیست و باید در مفهوم‌شناسی آن دقت کرد به همین خاطر باید گفت ارجاف و یا همان نشر اکاذیب و شایعات در جامعه برای تضعیف روحیه مسلمانان و تقویت جبهه‌ی کفر از جمله مواردی است که خداوند متعال در سوره احزاب مسبین آن را لااقل در پاره‌ای از اوقات مستحق قتل می‌داند و به پیامبرش دستور می‌دهد که هر کجا آنها را یافت، مجازات نماید. از این‌رو شناخت صفات و رفتار و مصادیق مرجفون و سرنوشت ایشان در زمان پیامبر از سویی و تعمیم و تسری حکم نسبت به افراد مشابه در زمان حاضر با توجه به گسترش فضاهای رسانه‌ای امروز و نظر به این امر که نقش زمان و مکان در استنباطات فقهی و گسترش و یا تضییق دامنه حکم بسیار حائز اهمیت است،

از سویی دیگر از ضروریات مباحث فقهی و حقوقی است که نیاز به بررسی و تحقیق دارد و نوع برخورد و مواجهه جامعه و حکومت اسلامی را با افرادی که شایعه پراکنی و نشر اخبار دروغ و غیر واقعی می‌کنند و ناامیدی در ظفر و پیروزی علیه دشمنان را ترویج و در روحیه مسلمان‌ها تزریق می‌کنند را مشخص می‌نماید. مخصوصاً اینکه این تشویش‌آفرینی در زمانه‌ی امروزی بسیار سریع‌تر و پردامنه‌تر اتفاق می‌افتد و خطر تزلزل نظام حاکم در صورت عدم واکنش مناسب به مراتب بالاتر از زمان گذشته است.

امروزه با گسترش رسانه، قدرت‌های فیزیکی جای خود را در بسیاری از امور به قدرت‌های مجازی داده است و به‌جای اینکه مثلاً پخش اخبار توسط افراد به‌صورت چهره به چهره و مستقیم انجام گیرد توسط سرورهای رسانه‌های مجازی به‌صورت مجازی و با سرعت بسیار بالا توسط حتی یک نفر قابل انتشار شده است؛ به‌طوری که کافی است فقط یک فرد که دنبال کننده‌های زیادی دارد، خبری را نشر دهد، در اینجا با یک اطلاع‌رسانی ساده افکار میلیون‌ها انسان درگیر می‌شود و چه بسا با گسترش هوش مصنوعی و خطرات غیر قابل پیش‌بینی آن حتی همان یک نفر هم برای براندازی یک نظام حاکم با روان پریش کردن آحاد جامعه در آینده‌ای نه چندان دور، نیاز نباشد و شخصیت حقیقی جایش را با شخصیت مجازی عوض نماید.

به همین خاطر توجه به این امر ضروری است که سازمان یافتگی‌های بعضی از جرم‌ها و تشکیلاتی بودن آن همچون همین مسئله تشویش اذهان عمومی بر ضد حاکمیت که در گذشته لازم بوده است چه بسا در شرایط حاضر به‌شکل فردی امری بسیار ممکن بلکه محقق شده است و از همین رو باید ابعاد فقهی و حقوقی آن مورد کنکاش و تحقیق قرار گیرد.

در واقع با در نظر گرفتن این امر که روش اثبات جرم، بدین شکل است که عناصر سه گانه جرم که متشکل از عنصر قانونی (قانونی بودن جرم‌انگاری و تعیین مجازات)، عنصر مادی (تحقق خارجی) و عنصر معنوی (نیت مجرمانه) است، اگر بتوان وجود هر سه عنصر را در اثبات جرم فردی ارجاف احراز کرد می‌توان به تحقق چنین جرمی اطمینان حاصل کرد. در این نوشتار هر سه عنصر لازم مشخصاً لحاظ و بررسی می‌شود و

در نهایت اثبات می‌شود که نه تنها در ارجاف فردی عنصر مادی و نیت مجرمانه وجود دارد بلکه جرم‌انگاری فردی در مسئله ارجاف با توجه به ملاک این حکم، امری معقول و قابل اثبات است و به همین خاطر وجود عنصر قانونی نیز در این امر خالی از اشکال است.

پیشینه این تحقیق بسیار کم است، به‌طوری که در مورد اصل مسئله ارجاف تحقیقات زیادی صورت نگرفته است و تنها چند مقاله در مورد آن نوشته شده است (البینی، ۱۳۸۴ق، صص ۹۶-۹۹؛ پاک‌نیا، ۱۳۹۸، صص ۱۱-۲۲) که در آنها نظر و نگاه محققین به بررسی خود آیه با در نظر گیری تأثیر شایعه در جنگ و تفاوت منافق و مرجف و یا در موارد اندکی مصداق‌شناسی مرجفون در غالب فتنه‌گران و مفسدین فی الارض است و هیچ نظری به سازمان یافتگی و یا فردی بودن این امر بویژه با بررسی تفاوت قدرت رسانه امروز با عصر گذشته ننموده‌اند و یا اگر هم اشاره‌هایی شده است، به‌صورت بسیار کوتاه و غیر مستقیم تنها در بعد سازمان یافتگی آن بوده است؛ این در حالی است که تحقق ارجاف به‌صورت فردی، به جهت گسترش رسانه، مدعا و مطلوب در این تحقیق است که هیچ کس تا به الان بدان نپرداخته است؛ با این وجود هر چند ابعاد بحث ارجاف گسترده است و زوایای کار نشده فراوانی را دارد، اما این تحقیق در پی بررسی تمامی آنها نیست و تنها با بررسی دقیق آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب و با مراجعه به کتب تفسیری و روایی و نظر به گستردگی رسانه و تأثیر گذاری فراوان آن، به دنبال اثبات این امر است که ارجاف در عصر حاضر نه تنها می‌تواند در کنار سایر حدود الهی مورد بحث قرار گیرد بلکه می‌توان این امر را حتی به‌صورت فردی نیز با کمک نیروی رسانه و نه نیروی انسانی زیاد، قابل تحقق دانست و به عمده‌ترین مشکلی که بر سر راه اثبات موضوع این تحقیق یعنی عدم تصور دقیق از عناصر لازم در تحقق و جرم‌انگاری این امر پاسخی دقیق و کامل داد.

گفتنی است که هدف نویسندگان ضمن پرهیز از جرم‌انگاری و مجازات حداکثری (شاهرودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۷) و تأکید بر ضرورت حفظ حداکثری حقوق بشر و آزادی‌های مشروع، بررسی شرایط فقهی و ابعاد تحقق ارجاف در جامعه در بعد فردی با

توجه به توسعه قدرت رسانه در عصر حاضر و ضبط و ثبت لوازم فقهی و حقوقی آن برای ضابطه‌مندی و پیروی از روش واحد است.

ادبیات و مفاهیم نظری تحقیق

مفهوم ارجاف

ارجاف واژه عربی و مصدر «مرجفون» و در لغت به معنای ایجاد اضطراب شدید و تشویش اذهان به وسیله گفتار یا رفتار است (راغب، ۱۴۱۲ق)؛ و در اصطلاح فقهی، پخش اخبار تشویش‌آفرینی را گویند که به هدف ایجاد فتنه و اضطراب در شرایط خاص سیاسی - اجتماعی در بین مردم توسعه می‌یابد و روحیه مسلمانان را با اضطراب مواجه می‌سازد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸۱).

حکم ارجاف، افزون بر اینکه اگر کذب باشد از باب حکم تکلیفی دروغ، سبب تحقق حرمت تکلیفی و گناه کییره و از بین رفتن عدالت فرد می‌گردد، از باب اینکه منجر به تضعیف نظام حاکم است نیز دارای عنوان ثانوی حرمت است و همچنین به صورت مطلق اثر وضعی نیز دارد و سبب مهدور الدم شدن مرجف در صورت وجود شرایط لازم در تحقق ارجاف می‌گردد به طوری که بر حاکم شرع لازم می‌گردد، مجرم را گرفته و به اشد مجازات که همان قتل است برساند (شاهرودی، ۱۳۷۴، ج ۳۲، ص ۱۵۹).

مفهوم جرایم فردی و مراد از جرم‌انگاری

بدیهی است که به هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که از جانب شخص دارای قابلیت اسناد به صورت عمدی یا غیر عمدی انجام گرفته و در قانون برای آن مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر شده باشد، جرم می‌گویند که تحقق هر جرمی نیاز به عناصر سه گانه مادی، معنوی، و قانونی آن دارد.

مراد از عنصر مادی، ظهور پدیده مجرمانه در عالم واقع است؛ از این رو جنایاتی که افراد در ذهن خود مرتکب می‌شوند هیچ‌گاه جرم تلقی نمی‌شود. به همین علت، مجرّد

قصد و تصمیم برای وقوع یک جرم، برای تسمیه جرم کافی نیست.

مراد از عنصر معنوی، قصد سوء فاعل جرم، اراده آزاد او در هنگام انجام عمل و قوه تمیز خوب و بد در شخصی است که عمل مجرمانه‌ای را مرتکب می‌شود. و مراد از عنصر قانونی این است که، تنها فعل یا ترک فعلی جرم محسوب می‌شود که در قانون برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده باشد، یا به عبارتی قانون آن را جرم محسوب کرده و برای آن مجازاتی معین کرده باشد. این اصل «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» نامیده می‌شود؛ بنابراین هیچ جرمی وجود ندارد، مگر آنکه قانون آن را بیان کرده باشد.

جرم‌انگاری در واقع از مباحث مطرح در حقوق جزایی بوده و فرایندی است که به موجب آن فرد یا نهاد قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه کردن بر مبانی نظری مورد قبول خود، انجام و یا ترک فعلی را ممنوع اعلام می‌کند و برای آن ضمانت اجرایی کیفری وضع می‌نماید (آقابابی، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

به‌طور کلی در یک تقسیم‌بندی جرایم به دو صورت فردی و سازمان‌یافته تقسیم می‌شود.

بعضی از جرم‌هایی که در شریعت و قانون دارای کیفر و در حقوق دارای مجازات است، وابسته به شخص است و اثبات جرم مبتنی بر گروهی بودن و یا کار تشکیلاتی و حزبی نیست؛ همانند سرقت که با اهداف شخصی و به‌شکل یک نفره نیز قابل تحقق است.

در حالی که جرایم سازمان‌یافته از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای فعالیت‌های مجرمانه مستمری است که با هماهنگی‌های تشکیلاتی و به‌صورت گروهی انجام می‌گیرد؛ ویژگی‌های جرایم سازمان‌یافته شامل: سازمان بزه‌کار، فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته و افراد و ابزارهای حمایتی متعدد می‌باشد. برخی از عوامل اساسی این رویکرد مجرمانه عبارتند از: گروهی بودن ارتکاب جرم، عدم توازن میان امکانات بازدارنده و امکانات مجرمان سازمان‌یافته (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۴).

رسانه‌های مجازی

اثبات تحقق فردی ارجاف، وابسته به قدرت رسانه است؛ در تعریف رسانه این‌طور گفته شده است که، هر ابزار، روش و وسیله‌ای که برای ارتباط به کار برود، رسانه است یا رسانه را به صورت تکنولوژی‌هایی که پیام‌ها را به مخاطبانی در نقاط مختلف (منطقه، کشور و حتی جهان) منتقل می‌کنند تعریف کرده‌اند. رسانه شامل همه وسایل و ابزار تهیه، تولید و نشر اطلاعات چاپی، تصویری و صوتی است. این اطلاعات به روش‌های سنتی یا پیشرفته به سطح وسیعی از مخاطبان انتقال می‌یابد (ویرتز، ۱۴۰۲، ص ۲۶).

با توجه به گسترش روزافزون فناوری در دنیا، تعدد رسانه‌ها به صورت مداوم رو به گسترش است که در دسته‌بندی و گروه‌های گوناگونی قرار می‌گیرند که از جمله می‌توان به گروه‌های زیر اشاره کرد:

۱. رسانه‌های نوشتاری مانند مطبوعات، کتاب و مجلات؛
۲. رسانه‌های دیداری مانند تلویزیون، سینما، اینترنت؛
۳. رسانه‌های شنیداری مانند رادیو؛
۴. رسانه‌های نهادی یا گروهی همچون روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی، بنیادهای سینمایی؛
۵. رسانه‌های ابزاری مانند مانند اعلامیه، بروشور، تابلوی اعلانات، کاتالوگ، پوستر، تراکت، پلاکارد، آرم، لوگو، فیلم‌های تبلیغی، فیلم کوتاه و بلند، سخنرانی، همایش و تئاتر؛
۶. رسانه‌های فرانهادی همچون خبرگزاری‌ها، دفاتر روابط بین‌الملل، کارتل‌ها، بنگاه‌های سخن‌پراکنی و تراست‌های خبری، شرکت‌های چند ملیتی سازه، فیلم‌های سینمایی، شبکه‌های ماهواره‌ای.

بعد از شناخت انواع رسانه باید دانست که در جامعه امروز رسانه نه تنها در بُعد حقیقی، فراگیر گشته است بلکه عظمت آن در فضای مجازی به مراتب بیشتر و بالاتر از فضای حقیقی آن شده، به طوری که عمده ابتلاآت مردم نیز در آن است و تأثیرگذاری

فراوانی در میزان سطح اطلاعات ایشان به همراه دارد و آن قدر فراگیر گشته که تمامی آحاد اجتماع با آن سر و کار دارند (مصدری، ۱۳۹۷، صص ۱۸۹-۲۱۲).^۱

مستند فقهی در جرم انگاری ارجاف

عمده مستند قرآنی، آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب است که می فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقُفُوا أَخَذُوا وَفُتِلُوا تَغْيِيلًا * سَنَّ اللَّهُ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَكِنْ تَجِدَ لِسَنَةَ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب، ۶۰-۶۲).^۲

براساس مفاد صریح و متقن این آیه کریمه در مورد مرجفون روشن می شود که:

۱. اثبات حکم ارجاف وابسته به دست نکشیدن از این عمل بعد از نزول آیات بوده است و قبل از آن اگر کسی مرتکب ارجاف شده است مشمول حکم ارجاف نمی شود؛ به همین جهت است که قرآن و شارع به عنوان قانون گذار در ابتدا آیه می فرماید: «لئن لم ينته....» یعنی اگر از این عمل دست بر ندارند.
۲. چنین کسانی مورد لعن خداوند و مهدور الدم هستند و حفظ خون آنها بر خلاف سایر مسلمانان، لازم نیست.
۳. خداوند پیامبرش را بر ضد آنها بر می انگیزد و دستور به شناسایی آنها می دهد و چشم پوشی از عمل آنها را منتفی می پندارد.
۴. مرجفون در هیچ کجا مصونیت اجتماعی ندارند و در هر کجا که یافت شوند گرفته می شوند.
۵. حکم مرجفون قتل است و باید به اشد مجازات برسند و با ایشان مماشات نمی شود.

1. <http://resaneha95.blogfa.com>

۲. اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه پراکنی می کنند (از کارشان) دست بر ندارند، حتماً تو را بر ضد آنان می شورانیم، آنگاه جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند. آنان لعن شدگانند، هر کجا یافت شوند باید دستگیر شده و به سختی کشته شوند. این سنت خداوند درباره ی کسانی است که پیش از این بوده اند و هرگز برای سنت خداوند تغییری نخواهی یافت.

۶. این سنت الهی در امم قبل نیز بوده و سنت‌های الهی غیر قابل تغییر هستند و به همین جهت است که در عصر حاضر هم این سنت پا برجا است. از این امور عظمت گناه مرجفون و اهتمام شارع به ایشان و اجرای حکم آنها کاملاً مشهود است.

در شان نزول آیات مرتبط با مبحث ارجاف آمده است:

«این آیات نسبت به قوم منافقی نازل شد که در مدینه بودند و هنگامی که پیامبر برای بعضی جنگ‌ها هم چون جنگ تبوک به خارج از شهر می‌رفتند، در بین مردم به دروغ پخش می‌کردند که پیامبر کشته شده است و یا اسیر گشته، تا مسلمانان غم‌دیده شوند و دست از ادامه پیکار و جنگ بردارند و در نهایت با این خدعه و فریب شکست به ارمغان آید؛ اما بعد از مدتی که پیامبر باز می‌گشتند آنها خوشحال می‌شدند و از دست مرجفون شکایت می‌کردند و خداوند این آیات را نازل کرد» (رفیعی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵۸).

در کتاب تفسیر قرطبی نیز همین امر آمده است به اضافه عبارتی که معنی آن این است که: ایشان گروهی مسلمان بودند که اخبار دروغ را می‌گفتند به این جهت که فتنه‌انگیزی را دوست داشتند و هدفشان تحقق فتنه در میان مسلمانان بود» (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۲۴۵).

و نیز برخی گفته‌اند: «مرجفان در مدینه با اخبار دروغی که تشویش و تنش ایجاد می‌کرد ارجاف و تشویش عمومی ایجاد می‌کردند به این صورت که می‌گفتند مشرکان در فلان منطقه جمع شده‌اند و قصدشان جنگ با مسلمانان است و نسبت به فرماندهان جنگ می‌گفتند که آنها کشته شده‌اند و از بین رفته‌اند» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۶، طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۵۲، طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۱۸۲).

با توجه به شان نزول یاد شده مشخص می‌شود که ماهیت مرجفون مورد خطاب متشکل از خصوصياتی بوده است از جمله:

۱. با توجه به اینکه سه عنوان منافق، مریض قلب و مرجف به هم دیگر عطف گشته

است مشخص می‌شود که فردی را می‌توان به حکم ارجاف به قتل رساند که هم منافق باشد یعنی ظاهرش با اسلام باشد و اما در باطن اسلام را نپذیرفته و تسلیم به مبانی و احکام آن نباشد و هم قلبش مریض باشد به همین سبب با فراگیری انواع رذائل اخلاقی پذیرای حکم الهی نبوده و نمی‌تواند رشد و تعالی اسلام را در جامعه نظاره گر باشد؛ به این معنی که در پی فتنه‌گری و آشوب بگردد و نتواند آرام بگیرد و هم ارجاف نماید و به هر خدعه، دروغ و حيله‌ای برای برهم زدن امنیت روانی جامعه دست‌آویز شود.

۲. مرجفون بر خلاف بعضی منتقدین حکومت در پی نقد و اصلاح امور نبوده‌اند؛ بلکه ایجاد فتنه و آشوب در میان مسلمانان مد نظرشان بوده است؛ و به همین جهت جرم ایشان صرفاً یک جرم سیاسی نیست که در آن تخفیف لحاظ گردد، بر خلاف اجرام سیاسی که در آن به جهت اصل آزادی‌های بیان و آزادی افراد در نقد دولت‌ها، هرچند تشویش اذهان عمومی صورت می‌پذیرد، اما اصل را بر تخفیف مجازات گذارده و حکم قتل برای جرم‌های سیاسی منظور نمی‌گردد (اصل ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی).

۳. اقدامشان علیه اصل حکومت اسلامی و تضعیف آن و یا سرنگونی آن بوده و به خاطر همین امر، بزرگان حکومت از جمله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصحاب سرشناس ایشان را نشانه می‌گرفته‌اند؛ بر خلاف بسیاری از شایعات که توسط آحاد جامعه پخش می‌شود و اهداف آن مشکلات مالی، مفلوکیت‌های اجتماعی، و یا مشکلات روان‌پریشی است و به‌طور معمول اغراض اجتماعی در آن وجود ندارد، چه رسد به غرض براندازی حاکمیت.

۴. این اقدام در زمان جنگ با دشمنان که زمان جهاد و دلاوری و رشادت به نفع اسلام بوده است نمود پیدا می‌کرده و توسط منافقین و کسانی که قلب‌های مریضی داشتند و همچنین مرجفون صورت می‌پذیرفته است؛ زیرا با توجه به اینکه در زمان جنگ، به خودی خود تشنج و تزلزل در نظام اجتماعی به جهت اقتضای جنگ وجود دارد، بهترین زمان برای این افراد در ایجاد لرزه بر پیکره‌ی

نظام اسلامی است و البته باید توجه داشت که جنگ نرم که امروزه بیشترین هجمه و کمترین هزینه را در بردارد نیز به طور قطع می تواند ظرف وقوع ارجاف قرار گیرد؛ زیرا مناط حکم که حفظ کیان نظام اسلامی است در هر دو زمان جنگ نرم و سخت وجود دارد.

بعد از بیان احکام و ماهیت مرجف با توجه به اینکه موضوع این مقاله اثبات تحقق ارجاف فردی با کمک از رسانه است به همین خاطر در ادامه مراد از ارجاف به عنوان یک جرم فردی مورد بررسی قرار می گیرد.

تحقق عنصر مادی

شناخت مرجفون و صفات و مراد ایشان از دست زدن به آشوب های اجتماعی با توجه به آیاتی که گذشت مشخص شد، حال باید تحقق عناصر جرم انگاری مرجف را در بُعد فردی مورد بررسی قرار داد به همین خاطر می توان گفت مراد از ارجاف فردی این است که در آن یک شخص به پخش شایعاتی در جامعه با اهداف خاص خویش می پردازد، در اینجا بعد از اینکه فردی به نشر امر غیر واقعی در جامعه پرداخت عنصر مادی برای جرم به وجود آمده است، و مرجف نیز در فضای رسانه امری را نشر داده که پتانسیل تشویش اذهان عمومی را داشته و چه بسا قابلیت برهم زدن نظم اجتماعی را نیز داشته باشد و از همین رو تصور و تحقق عنصر مادی در تحقق جرم مرجف به صورت غیر سازمان یافته بسیار ملموس و قابل تحقق است و این جرم انگاری از حیث عنصر مادی هیچ مشکلی را در سر راه خود نمی بیند.

باید دقت شود که کمک گرفتن از رسانه و تشکیلات آن، سبب تشکیلاتی قلمداد کردن این امر نمی شود؛ زیرا همان طور که در تعریف جرم سازمان یافته گذشت، یکی از عناصر قرار گرفتن جرم در مضادیق جرم های تشکیلاتی، گروهی بودن آن است در حالی که در کمک گیری از رسانه، لزوما گروه مطرح نیست و چه بسا فردی که مثلا صفحه ای با دنبال کنندگان میلیونی در فضای مجازی دارد و یا حتی می تواند صفحه ای پر مخاطب را هک نماید و به بیان اراجیف پردازد، و جامعه را به چالش بکشد،

مرجف محسوب می‌شود در حالی که گروه یا افرادی وی را به صورت برنامه‌ریزی شده حمایت نمی‌کنند و با وی همکاری ندارند.

تحقق عنصر معنوی

اما نسبت به تحقق و وجود عنصر معنوی یا همان قصد سوء و تخریب و برهم زدن اجتماع و قدرت‌گیری دشمنان اسلام، باید نیت مرجف را مورد بررسی قرار داد و از همین رو باید گفت هدف مرجف از نشر خبر غیر واقعی یا پخش مطلب جعلی و غیر حقیقی، گاهی سیاسی است که مثلاً همان تضعیف و یا از بین بردن نظام حاکم است و گاهی ممکن است به جهت مسائل روان‌پزشانه و با اهدافی چون مفلوکیت، حس دیده شدن و خودنمایی، و یا عقده‌گشایی نسبت به مشکلات و بعضی موارد دیگر، محقق گردد، که صورت اول آن موضع اصلی این مقاله است و در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

هر چند ارجاف فردی با اهداف غیر سیاسی نیز می‌تواند در پاره‌ای از اوقات آسیب‌های جدی و خطرناکی را به دنبال خود داشته باشد، اما این ارجاف، ارجاف اصطلاحی که موجب قتل شود نیست و به خاطر همین مسئله قابل پیگیری در چهارچوب حدود نیست.

پس قدر متقن از ارجافی که موجب حکم به قتل مسببین آن می‌شود، همان ارجاف سیاسی به قصد تزلزل و آسیب رساندن به نظام است که باید در آن، اقدام از ابتدا برضد امنیت ملی و به قصد تضعیف و یا سرنگونی حکومت اسلامی صورت پذیرد، و به همین خاطر حد ارجاف همچون افساد فی الارض و محاربه، حق الله است و با بخشش مردم مرتفع نمی‌شود و در صورت وجود تمامی مقتضیات و نبود هیچ مانعی در اجرا توسط حاکم شرع پیاده‌سازی می‌شود که بعد از وجود نیت سوء توسط مرجف، عنصر معنوی برای تحقق جرم نیز به وجود آمده است. طبیعتاً این عنصر هم با نشر غیر واقعی یک خبر دروغین در فضای اجتماعی و شاخ و برگ دادن بدان به قصد تضعیف نه تنها قابل تصور بلکه قابل تحقق است و چه بسا بارها در زمان خود این امر را احساس کرده‌ایم که یک

سلبریتی یا منافق سرشناس با گذاشتن یک تیر خبری کنکاش نشده و غیر دقیق، آسیب فکری و ذهنی در رگهای امنیتی جامعه تزریق می کند.

عنصر قانونی

بعد از اینکه امکان وجود عنصر مادی و معنوی مسئله ای همچون ارجاف نسبت به یک فرد اثبات شد باید دید آیا عنصر قانونی در جرم انگاری این مسئله نیز وجود دارد تا مرجع را مجرم خطاب نمود و یا خیر؟

برای پاسخ به این امر باید دید ملاک در جرم انگاری یک عمل چیست؟ و چه زمانی یک مسئله از دید یک قانون گذار و یا شارع متعال جرم محسوب می شود؟

برای پاسخ به این سوال در مسئله ارجاف آن چیزی که مهم است فهم ملاک شارع در محکومیت ارجاف سازمان یافته و تسری آن به صورت ارجاف فردی است که با توجه به مطالب این تحقیق واضح است که ملاک جرم انگاری در نگاه شارع تزلزل و تضعیف نظام اجتماعی و در نتیجه بدینی به اسلام و حکومت اسلامی و سست کردن پایه های آن می باشد که ضربات سنگینی به پیکره آن وارد می نماید و مشخص است که این، لزوما وابسته به سازمان یافتگی و تشکیلاتی بودن ارجاف نیست و اگر بتوان این غایت را در وجه فردی اثبات کرد عنصر قانونی برای تحقق این امر هم ثابت می شود و در نتیجه هر سه عنصر لازم در تلقی جرم بودن این امر محقق می شود. که برای اثبات آن نیاز به بررسی مبحث رسانه مجازی و جایگزینی این نوظهور، به جای تشکیلات و سازمان های مجرمانه است که در ادامه باید دید چطور ممکن است تشویش اذهان عمومی یک اجتماع و سست شدن پایه های یک نظام حکومتی، تنها با اقدامات یک شخص متصور شود.

تأثیر رسانه در تحقق عنصر قانونی ارجاف به شکل فردی

نحوه ارتباط رسانه به مبحث ارجاف با توجه به مفهوم ارجاف به طور کامل واضح می شود؛ زیرا همان طور که در معنی ارجاف گذشت، ارجاف به معنی پخش و نشر امور

بی محتوا و کذب می باشد و طبیعی است که نشر و پخش حتما نیازمند وسائط و معونه های فراوانی است که آن وسائط حکم رسانه را دارند و بدون در نظر گرفتن آنها، ارجاف بی معنی می شود. این وسائط در زمان قدیم نیروی انسانی زیاد بوده که طبیعتا سازمان یافتگی این نوع جرایم را سبب می شده است؛ اما در عصر حاضر نیازمندی به نیروی انسانی به صورت مستقیم بسیار تقلیل یافته و در مقابل نیروی رسانه های مجازی به کمک فرد برای تحقق این غایت آمده است، به همین خاطر با توجه به این مقدمه لازم است بحث رسانه در اینجا مورد کنکاش قرار گیرد تا ضمن توضیح آن و وابستگی ناگسستنی ارجاف به رسانه به ابعاد گسترده گی رسانه و صور جدید آن در تحقق ارجاف فردی آشنایی لازم فراهم آید.

تأثیر رسانه های مجازی

برای شناخت دقیق تأثیر رسانه بر مسئله ارجاف باید ابتدا قدرت رسانه های مجازی و ویژگی های آن را ارزیابی کرد.

ارتباطات در زمان گذشته یا کلامی بوده است و یا غیر کلامی همچون اشاره کردن، اطلاع رسانی در طی زمان های مختلف از طریق چاپار، کبوترهای نامه بر، اختراع چاپ و... انجام می شده است، سپس گسترش ارتباطات ادامه پیدا کرده و با به روی کار آمدن تلفن، تلگراف و روزنامه گسترش یافته، این روند با آمدن رسانه هایی مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت به سمت تکامل پیشی گرفته است.

امروزه مردم برای به دست آوردن اطلاعات و اخبار تمایل زیادی به استفاده از فضای مجازی دارند. در سال های اخیر این روند به مدد پیشرفت تکنولوژی و فراهم شدن زیر ساخت های ارتباطی، به شدت گسترش یافته است.

کاربران اینترنتی به طرز غیر قابل باور، افزایش یافته اند و چشم انداز گسترده ای در مقابل رسانه های مجازی به وجود آمده است.

در قرن حاضر و عصر امروزی که به تعبیری عصر فراصنعتی است، تغییرات در نحوه ی دریافت اخبار و اطلاعات به طور شدیدی شیوه های دریافت سنتی خبر را تحت

تأثیر و یا امحاء قرار داده است، ظهور شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان به اطلاعات موجود، خیلی از رسانه‌ها را دستخوش دگرگونی و تغییرات فراوان کرده و میزان مراجعه‌ی مردم به رسانه‌های سنتی و غیر مجازی را به شدت کاهش داده است.

خود این رسانه‌های مجازی نیز انواعی دارند و گاهی متن محور هستند، مانند پست الکترونیک و چت روم‌ها و گاهی متن محور نیستند بلکه همانند فضای اینستگرام تصویر محور می‌باشند. ویژگی‌های رسانه‌های مجازی نیز با توجه به قدرت و پهنای باندی که آنها به منظور توانایی انتقال اطلاعات احتیاج دارند با هم متفاوت بوده و دارای درجه‌بندی است اما به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های این رسانه‌ها را در چند مورد خلاصه کرد:

اول، تقویت قدرت تخیل؛ گاهی به علت فقدان نشانه‌های غیر کلامی، ما دائم مجبور هستیم از قدرت تخیل خود برای فهم فرد مقابل استفاده نماییم؛ همانند استفاده از تلفن که نخستین رسانه مجازی است که این ویژگی را در ما تقویت می‌کند.

دوم، گاهی سبب تقویت حس حضوری است که با اصل حضور فیزیکی متفاوت است؛ یعنی در واقع حضوری هستی‌شناسانه است، زیرا صورت حضور و بودن در این فضا متفاوت است؛ به‌عنوان نمونه زمانی که در یک ویدئو کنفرانس حضور داریم هر چند از نظر فیزیکی حضور نداریم و فاصله جغرافیایی میان ما و حاضرین وجود دارد اما به لحاظ هستی‌شناسانه، ما در آنجا حاضر هستیم زیرا حواسمان در آن فضا گسترش پیدا کرده است.

سوم، سهم شدن در اطلاعات بسیار زیاد است؛ یکی دیگر از ویژگی‌های رسانه‌های مجازی این است که ما را در اطلاعات بسیار بیشتری نسبت به گذشته سهم می‌نماید زیرا ما خود نیز اطلاعات را تکمیل کرده و برای دیگران می‌فرستیم.

چهارم، تعامل با محیط؛ رسانه‌های مجازی این قابلیت را دارند تا با محیط اطرافمان تعامل داشته باشیم و قدرت تأثیرگذاری و تغییر را در محیط به ما می‌دهند به‌طوری که رسانه به اصطلاح سبب تشکل دهکده جهانی شده است.

پنجم، تغییر در روش اندیشیدن؛ زیادی اطلاعات در رسانه‌های مجازی، امکان جمع

کردن اطلاعات را افزایش می‌دهد. ما دائماً با کپی و جایگذاری کردن اطلاعات، متن یا مطلبی را تولید می‌کنیم که گاهی عاری از تفکر و اندیشه است و فقط در کنار هم گذاشتن بسته‌های اطلاعاتی مختلف است، اما تأثیر زیادی در جهت دهی فکری به جامعه را دارد.

باید توجه داشت این گستردگی و قدرت فوق العاده امروزی برای رسانه همان‌طور که یک تهدید جدی می‌تواند برای به هم ریختگی شالوده یک نظام و حکومت قرار گیرد با جهت‌دهی و کنترل مناسب می‌تواند یک ابزار کارآمد برای توسعه‌مندی و استحکام آن نیز قرار گیرد؛ از همین‌رو لازم است ابعاد این مسئله به‌طور کامل مورد اهتمام تمامی افراد مسئول و مدیران جامعه قرار گیرد تا ضمن بهره‌وری صحیح، موانع آن نیز به بهترین وجه مرتفع شود.

با توجه به مطالب بالا و بعد از شناخت مفهوم رسانه و انواع آن و همچنین شناخت مفهوم ارجاف و احکام آن مشخص است که تحقق ارجاف در یک جامعه بدون کمک‌گیری از رسانه امری کاملاً بی‌معنی است، زیرا تشویش اذهان عمومی آحاد جامعه، تحت تأثیر و سیطره القاءات و اخباری است که آنها به سبب رسانه متوجه می‌شوند.

این رسانه در عصر قدیم تنها در بخش کمی از موارد مذکور در بخش بالا قابلیت تحقق و اجرا داشته است، از باب نمونه اکثر رسانه‌ها پیک و جارچینی بوده‌اند که اخبار را به‌صورت فیزیکی انتقال می‌دادند، از همین جهت تحقق ارجاف کلان و با قدرت تخریب و تزلزل‌آفرینی بالا در مقابله با رسانه، محدود و مرهون موانع زیادی از جمله زمان‌بر بودن و نیازمند بودن به قدرت، نفوذ، افراد زیاد و بسیاری مسائل دیگر بوده است و عملاً به عرصه بروز و ظهور جز در موارد معدودی نمی‌انجامیده است؛ اما امروزه که رسانه‌ها فراگیر و پیشرفته شده و در ابعاد جدید تبلور پیدا کرده‌اند، مقتضی برای ارجاف در جامعه به راحتی فراهم شده و چه بسا در صورت عدم جلوگیری و برنامه‌ریزی دقیق حکومتی، هر دم جامعه را با تشویشی جدید مواجه گرداند. به‌طور مثال امروزه می‌توان با کمک و بهره‌گیری از یک صفحه در یک فضای مجازی و جعل و گذاشتن خبری

موحش و حمایت‌های رادیکالیسم از آن موجبات تزلزل‌آفرینی را به راحتی و در زمان بسیار کوتاه و البته سطح جغرافیایی بسیار وسیع به ارمغان آورد.

وحدت ملاک در اقسام ارجاف و قابلیت رسانه برای امور تشکیلاتی

با دقت در مطالب بالا کاملاً واضح است که تمامی ملزومات لازم برای تحقق اضطراب عمومی و روان‌پیشانه در جامعه از جمله صفات وجودی شخص مرجف، همچون قصد تضعیف و تزلزل و همچنین لوازم لازم برای گسترش خبر در یک اجتماع تا بدان جا که به سطح کلان روانی آسیب وارد سازد، با توجه به گسترش رسانه و بهره‌گیری از نیروی حاکم در فضای مجازی و روی آوری استراتژیست‌های فناوری بدین فضا به جای جایگزینی نیروی انسانی، در ارجاف فردی نیز قابل تصور و تحقق است؛ زیرا هدف مرجف که تزلزل‌آفرینی در امنیت ملی و در آرزوی سرنگونی حکومت اسلامی است، وابسته به کثرت نیروی انسانی در تحقق این امر در عصر حاضر نیست؛ همان‌طور که نگاه عقلاء و محاکم قضایی دنیا نسبت به قتل یک فرد عادی با ترور یک شخصیت حکومتی همانند نخست‌وزیر به‌خاطر اهداف سیاسی، در نگاه جرم‌انگاری بسیار متفاوت است - اولی بُعد شخصی پیدا می‌کند و دومی ابعاد اجتماعی دارد - ارجاف شخصی و ارجاف سازمان‌یافته نیز همین‌گونه است و از نگاه جرم‌انگاری در هر دو صورت قابل تصور و تحقق می‌باشند و به همین جهت در جایی که دامنه‌ی یک جرم فراگیر شود و پایه‌های یک حکومت اسلامی را بلرزاند، شارع متعال واکنش شدیدتری را نسبت به جایی که به این غایت ختم نشود نشان می‌دهد. خواه این امر با تلاش گروهی و سازمان‌یافته صورت گیرد و چه با کیاست یک فرد و بهره‌گیری وی از قدرت مجازی.

به‌عنوان مثال فردی که در عصر امروز با کمک رسانه هر چند دارای سواد کلاسیک و یا بهره‌مند از فضای مدیریتی و اداری خاصی نیست اما توانسته است سر شاخه و سر گروه در یک فضای کلان اجتماعی شود و به تعبیر امروزی بلاگر و یا اینفلوئنسر شود و تعداد زیادی فالوور و دنبال‌کننده برای خود جذب نماید به راحتی می‌تواند منشأ نشر

یک خبر موحش و دامنه‌دار در جامعه شود، و یا اگر فردی به جهت دانش هک کردن و استعداد این کار، سایت مسئول شاخص مملکتی و یا حتی سایت خاص رهبری را هک نماید و خبری جعلی در آن قرار دهد، به راحتی می‌تواند تزلزل‌آفرینی در امنیت روانی را ایجاد کند.

همچنین فرض کنید فردی که بیش از چند میلیون نفر دنبال کننده دارد با ساخت یک کلیپ جعلی و نشر آن در جامعه اعتماد مردم را نسبت به یک مسئول عالی رتبه از بین ببرد و موجب تحریک مردم و اغتشاشات مردمی و کشتار عده‌ای شود، در اینجا این فرد به‌طور قطع کار تشکیلاتی نکرده است اما با کمک‌گیری از رسانه توانسته است همچون یک کار تشکیلاتی کلان تأثیر بسزایی در سطح اجتماع ایجاد کند و این همان جایگزینی قدرت رسانه به‌جای نیروی انسانی است، پس باید قدرت رسانه را بسیار جدی گرفت، زیرا عملی که گاهی در این فضاها با اعمال یک فرد قابل جریان‌سازی است چه بسا با اعمال صدها فرد در فضای حقیقی و خرج میلیاردها تومان قابل تحقق و توسعه نباشد. در اینجا است که باید اهمیت جنگ سرد و روانی را شناخت و برای مقابله با آن چاره‌ها اندیشید.

این مدل تأثیرگذاری در عصر حاضر قابل درک است و انسان‌های امروزی، راحت آن را لمس می‌کند اما در زمانی که رسانه‌ها به این میزان گسترش پیدا نکرده بودند اصلاً تصور تأثیرگذاری یک فرد بر سطح کلان اجتماع در زمان بسیار اندک امری محال به‌نظر می‌آمده است و از همین‌رو در کلام فقها و حقوقدانان سابق در مورد این مدل جرم‌انگاری، مطلبی به چشم نمی‌خورد.

آنچه که تمام این بحث‌ها را تأیید می‌کند و باعث اتقان توسعه حکم ارجاف به موارد ارجاف فردی می‌شود، وحدت ملاکی است که با دقت در میزان حساسیت شارع به مسئله حفظ نظام و حرمت تضعیف آن به‌دست می‌آید که به صراحت بسیاری از علما، جزء مهمترین مسائل فقهی است که تسامح و تساهل در آن راه ندارد؛ فقها عموماً این معنا را با عنوان «حفظ بیضه الاسلام» (مدرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۱۷) بیان کرده‌اند. از همین‌رو اگر کسی عامدانه در صدد تضعیف نظام حاکم برآید حتماً مورد عتاب و

خطاب شدید قرار می گیرد (مکارم، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۶۴، منتظری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۶۸). و مشخص است که این تضعیف نظام با توجه به کمک گیری از رسانه به صورت فردی نیز کاملاً قابل تحقق است.

ملاک تحقق ارجاف و عدم وابستگی آن به جنگ مسلحانه

مسئله آخری که در اینجا لازم است دقت شود این است که، هر چند شان نزول آیات در مورد زمان جنگ است؛ اما با دقت در مسئله و با نگرش فقه مقاصدی، این امر مشخص می شود که ارجاف تنها در زمان پیکار و نبرد با سلاح در مقابل دشمن محقق نمی شود بلکه در موارد ایجاد جنگ روانی نیز که در عصر حاضر پر دامنه تر از جنگ مسلحانه است این امر به جهت یکسان بودن مناطات حکم، که همان حفظ حکومت و امنیت روانی جامعه است، محقق می کند همان طوری که منافقین در مدینه برای ایجاد جنگ روانی علیه خلافت امیرالمومنین علی علیه السلام نیز به نشر شایعاتی پرداختند، از جمله این امر که گفتند، علت جانشینی حضرت علی علیه السلام به جای نبی اکرم صلی الله علیه و آله در لیلۃ المیت، اکرام ایشان نبوده است بلکه به جهت تحقیر و تثقیل ایشان بوده است و با این کار دید افراد آن روزگار را نسبت به جایگاه امام و حاکم بعدی جامعه تخریب کردند، از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از چنین افرادی به مرجفون تعبیر فرمودند (مفید، ۱۴۱۳ق، صص ۷۹-۸۱ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۱، ص ۲۰۸).

از این مسئله کشف می شود ملاک در تحقق ارجاف، تضعیف نظام و تشنج روانی میان مسلمانان است که البته دوران جنگ بالاترین پتانسیل را در تحقق این امر دارد؛ اما به جهت وجود مناطات و ملاکات اهمیت حفظ نظام اسلامی، می توان این حکم را حتی به مواردی همچون دوران جنگ نرم و یا جنگ سرد که امروزه بسیار مورد اهمیت است تسری داد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب بالا مشخص می شود که ارجاف در نگاه اسلامی به جهت تضعیف و

تزلزل نظام دارای مجازات سختی است که این مسئله هر چند در گذشته برای به نتیجه رسیدن، مرهون نیروی انسانی زیاد و تشکیلات بوده است و چه بسا در فضای ملتهب جنگ‌های مسلحانه با بهره‌گیری از پتانسیل تنش، زمینه بروز و ظهور آن فراهم می‌گشته و تصور آن در بُعد فردی غیر قابل فهم و یا بعید به نظر می‌رسیده است؛ اما در عصر حاضر به جهت گستردگی و قدرت رسانه، و فضاهای مجازی و جایگزینی نرم افزاری به جای قدرت بدنی و جسمی، وابستگی خود را همچون گذشته دارا نیست، به همین خاطر می‌تواند در بعد فردی نیز قابل تصور و بلکه تحقق باشد.

پس اگر ثابت شود فردی به قصد تضعیف نظام و تزلزل آن، منافقانه و از روی عناد و داشتن تمامی شرایط اثبات حکم ارجاف، مرجف است، نمی‌توان تنها به خاطر تک بودن و گروه نداشتن و تشکیلاتی نبودن حکم آن را نادیده و غیر قابل جریان دانست و به تعبیر دیگر تشکیلاتی نبودن ارجاف، مانع جریان حکم مرجف نیست. پس با توجه به اینکه ارجاف یکی از گناهان کبیره در شریعت اسلامی است که مسبب آن به حکم آیات قرآن مستحق مرگ هستند؛ هر چند در کلام فقها قرون گذشته اسلام، به جهت نبود حکومت اسلامی شیعه و یا عدم امکان مضبوط نمودن شرایط تحقق آن و شناخت دقیق مصادیق مرجفون و عدم نیاز مبرم به بررسی احکام حکومتی، بدان نپرداخته‌اند - همان‌طور که واکاوی‌های زیادی در عناوینی همچون، بغی و بغات، تخویف و مخوفون، تعزیرات حکومتی و بسیاری دیگر از موارد فقه حکومتی نشده است - اما در عصر حاضر که حکومت اسلامی وجود دارد و با توسعه سازمان‌های اطلاعاتی و بهره‌گیری از رسانه‌های موجود، هم ارجاف به صورت راحت‌تر قابل تحقق است و هم ریشه‌یابی مبدأ و محل نشر ارجاف و مرجفون قابل رصد و ردیابی است، به همین جهت این حکم الهی قابل پیگیری و بررسی و پیاده‌سازی است؛ بنابراین با توجه به اینکه حکم ارجاف، سنت تغییر ناپذیر شارع است و ملاک آن حفظ حکومت اسلامی و برقراری امنیت اجتماعی در جوامع مسلمان است و این ملاک دستور به آن در عصر حاضر نیز ثابت و پایدار است باید گفت خداوند در عصر غیبت شناخت مرجفون و کسانی که امنیت حکومت اسلامی به خاطر ایشان به مخاطره می‌افتد را به دست حاکم شرع سپرده و حاکم اسلامی

را متولی اجرای مجازات آنها گردانیده است و بر حاکم شرع لازم نموده، ابعاد این حد شرعی را نیز همانند سایر حدود به جهت حفظ ملاکات و مناطات شارع مورد اهتمام و بررسی قرار دهد تا با بررسی های دقیق و مضبوطیت احکام آن، دست حکومت را برای جلوگیری و بازدارندگی از تحقق امر ارجاف در جامعه اسلامی با مجازات بعضی دیگر از منافقین باز نماید و همچنین با مشخص کردن دقیق زوایای اهداف مرجفون و مرزبندی جرم ایشان با جرم های سیاسی، مانع از هجمه افکار عمومی بر ضد چنین احکامی، در تضاد با حقوق بشر از جمله اصل آزادی بیان و موارد دیگر شود. البته این امر به شرط احراز تمام شرایط تحقق و اجرای حکم است و البته نباید قواعد مانعه در جرم انگاری همچون قاعده درء و یا وهن دین و یا مذهب و مانند آن نسبت به متهم به ارجاف در زمان حکم مرجف نادیده قلمداد شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- آقابابایی، حسین. (۱۳۸۴). گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت، مجله فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۵، صص ۱۱-۲۹.
- انصاری، محمدعلی. (۱۴۱۵ق). موسوعه الفقهیه المیسره (چاپ اول). بیروت: مجمع فکر اسلامی.
- ابن حزم، علی. (۱۴۲۴ق). المحلی بالآثار. بیروت: دارالجليل.
- بروجردی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). المستند فی شرح العروة الوثقی. قم: موسسه احیاء آثار امام خمینی علیه السلام.
- البنینی، عبدالرحیم فرغل. (۱۳۸۴). المنافقون و المرجفون فی نظر القرآن، مجله منبر الاسلام، صص ۹۶-۱۰۴.
- پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۹۸). شایعه مهمترین ابزار جنگ روانی دشمن، مجله ره توشه، شماره، ۲۲، صص ۲۳-۴۱.
- خوانساری، سیداحمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (چاپ دوم). تهران، انتشارات صدوق.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن (چاپ اول). دمشق: دار القلم.
- رفیعی، مجیب جواد. (۱۳۸۰). اسباب النزول فی ضوء الروایات. قم: دار الغدير.
- شاهرودی، سیدمحمود. (۱۳۷۴). فقه اهل بیت. قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.
- طباطبایی، سیدعلی. (۱۴۱۲ق). ریاض المسائل (چاپ اول). قم: موسسه نشر اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. قم: نشر مرتضوی.

- قرطبی، شمس الدین. (۱۳۸۴). تفسیر قرطبی. قاهره: دارالکتب.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
- محسنی، محمد. (۱۴۲۹ق). حدود الشریعه (چاپ اول). قم: بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- محقق حلی، نجم الدین. (۱۴۰۹ق). شرایع الاسلام (چاپ دوم). تهران: استقلال.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۳ق). التشریع الاسلامی (چاپ دوم). تهران: انتشارات مدرسی.
- مشکینی اردبیلی، علی. (۱۴۳۴ق). مصطلحات الفقه. قم: دارالحديث.
- مصدری، فاطمه. (۱۳۹۷). رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصلنامه علمی پژوهشی، شماره ۲.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۵ق). انوار الفقاهه (چاپ اول). قم: انتشارات علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹). تفسیر الامثل (چاپ اول). قم: انتشارات علی ابن ابی طالب علیه السلام.
- منتظری، حسین علی. (۱۳۸۰). نظام الحكم فی الاسلام (چاپ اول). قم: هاشمیان.
- موسوی اردبیلی، عبد الکریم. (۱۴۲۷ق). فقه الحدود و التعزیرات (چاپ دوم). قم: موسسه نشر جامعه مفید.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۷۷). حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات، چاپ اول). تهران: میزان.
- ویرتز، برنند دبلیو. (۱۴۰۲). مدیریت کسب و کار در رسانه (مترجم: علی احمدی). تهران، نشر علم.